

Examining the components of old age in the Holy Quran and its effects on Islamic culture

Nooshin Chatrchi*

Abstract

Iran is on the path of increasing elderly population, so it may face a phenomenon called "aging crisis" in the future. The current research is organized with the aim of determining the components and consequences of old age from the perspective of the verses of the Quran and its influence in Islamic culture. The current research is of documentary and library type and qualitative research is based on content analysis of Quranic verses. In the Qur'an, the period of old age is discussed in 9 verses and capacities are expressed according to the stages of physical, cognitive, emotional and social growth. Then, in the 8 verses of the Quran, responsibilities and tasks for the elderly person, family and society are mentioned. It seems that the foreknowledge related to old age in the Qur'an helps human beings to make better use of the empowerment period while preparing for such a stage in order to find a way to cope with loneliness, illness and facing death by reaching spiritual life. In the end, the influence of the components of old age in Islamic culture has been discussed.

Keywords: Quran; Stages of growth in the Qur'an; old age; Islamic culture.

* Assistant Professor, Center for Islamic Education and Human Sciences, Sharif University of Technology,
Tehran, Iran, chatrchi@sharif.ir

Date received: 07/09/2023, Date of acceptance: 10/12/2023





پروہشگاہ علوم انسانی و مطالعات فرہنگی
پرتال جامع علوم انسانی

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی

نوشین چترچی*

چکیده

ایران در مسیر افزایش جمعیت سالمند قرار دارد، بنابراین ممکن است با پدیده‌ای به نام «بحران سالمندی» در آینده روبرو شود. پژوهش کنونی باهدف تعیین مؤلفه‌ها و پیامدهای سالمندی از منظر آیات قرآن و تأثیر آن در فرهنگ اسلامی سامان یافته است. پژوهش حاضر از نوع اسنادی و کتابخانه‌ای و تابع پژوهش کیفی مبتنی بر تحلیل محتوای آیات قرآن است. در قرآن در ۹ آیه به دوره سالمندی پرداخته شده و باتوجه به مراحل رشد جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی ظرفیت‌ها بیان شده است. سپس در ۸ آیه قرآن به مسئولیت‌ها و تکلیف‌هایی برای شخص سالمند، خانواده و جامعه اشاره شده است. به نظر می‌رسد پیش‌آگاهی مرتبط با سالمندی در قرآن به انسان کمک می‌کند تا ضمن آماده شدن برای چنین مرحله‌ای، از دوره توانمندی استفاده بهتری کند تا با رسیدن به حیات معنوی راهی برای کنار آمدن با تنهایی، بیماری و رویارویی با مرگ بیابد. در پایان نیز به تأثیر مولفه‌های سالمندی در فرهنگ اسلامی پرداخته شده است.

کلیدواژه‌ها: قرآن، مراحل رشد در قرآن، سالمندی، فرهنگ اسلامی.

۱. مقدمه

۱.۱ طرح مسئله

سالمندی فردی موهبتی الهی است و درعین حال، یکی از موفقیت‌های بشری است که به دلیل پیشرفت فناوری و توسعه مراقبت‌های بهداشتی و تشخیص به‌موقع بیماری‌ها و درمان آن،

* استادیار مرکز معارف اسلامی و علوم انسانی، دانشگاه صنعتی شریف، تهران، ایران، chatrchi@sharif.ir

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۱۶، تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹



تغذیه مناسب، ایمنی بیشتر، سیستم‌های حمایتی گسترده‌تر و خدمات اجتماعی، در دهه‌های اخیر بارزتر گشته است. تحولات یادشده، باعث کاهش مرگ‌ومیر و افزایش امید به زندگی شده و پیری زیستی را کند و تعدیل کرده است؛ در این راستا داشتن سالمند توانا، سالم و فعال از اهمیت ویژه‌ای برخوردار شده است؛ لذا برای ارتقا کیفیت زندگی و سطح سلامت جسمی، روانی، اجتماعی و معنوی سالمندان و نیز بهره‌مند شدن از عمر فعال و سالخوردگی موفقیت‌آمیز یکی از راهکارها، ایجاد بینش درون دینی نسبت به موضوع سالمندی است، چه، سالمندان سالم منبعی از هوش، مهارت و تجربه هستند که برای جامعه سودمندی متنوعی در پی دارند، و یافتن مؤلفه‌ها و ویژگی‌های سالمندی در قرآن می‌تواند زمینه فرهنگ‌سازی اسلامی یا مستحکم‌کننده برخی ویژگی‌های فرهنگی در گستره سالمندی باشد.

باتوجه به تمهیدات مورد اشاره، سؤال اساسی پژوهش حاضر این است که سالمندی در قرآن کریم دارای چه شاخص‌ها و ویژگی‌هایی است؟ در پی این سؤال، پرسش دیگری مطرح می‌گردد و آن اینکه هدف از طرح این ویژگی‌ها در قرآن چیست؟ همچنین این پیش‌آگاهی در روند زندگی انسان سالمند و دیگرانی که با او زندگی می‌کنند، چه تأثیری دارد و سبب‌ساز چه مؤلفه‌ها و عناصری در فرهنگ اسلامی می‌گردد؟ یا به دیگر سخن پیامد آن در فرهنگ‌سازی اسلامی چیست؟

۲. پیشینه تحقیق

پیشینه‌های پژوهشی مرتبط با سالمندی، در گستره‌های متنوعی سامان‌یافته است که گاه همپوشانی‌ها یا تفرق‌هایی را نمایان می‌سازند، اما آنچه که پژوهش حاضر مدنظر قرار داده، کنکاشی در سالمندی از نظر جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی بر اساس آیات قرآن است تا بتوان به ویژگی‌ها و توانایی‌های این دوره سنی دست‌یافت و به تبع آن، وظایف و تکالیفی را که قرآن برای شخص سالمند، خانواده وی و جامعه برشمرده است، آشکار نمود و سپس در پایان به آثار و نقش آن در فرهنگ‌سازی و یا تأیید رفتارهای فرهنگی، نزدیک شد. در ادامه به نمونه‌ای از این نوع تحقیقات که در این زمینه قابل‌اشاره است، می‌پردازیم.

شعاری‌نژاد (۱۳۶۶) در روان‌شناسی سالمندی، بر این باور اشاره دارد که دوران سالمندی را باید در ابعاد متفاوت مثل بیولوژیک و فیزیولوژیک، پسیکولوژیک (روان‌شناختی) و سوسیولوژیک (جامعه‌شناختی) و فرهنگی، موردتوجه قرار داد.

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی (نوشین چترچی) ۵۹

بهرامی و رمضانی فرانی (۱۳۸۸) در پژوهش در باره بهداشت روان سالمند در قرآن و حدیث نتیجه گرفته‌اند که موضوع بهداشت روانی سالمندان در قرآن و حدیث در سه حوزه مورد توجه قرار گرفته است: ۱- سالمند از نگاه عموم مردم ۲- سالمند از نگاه حکومت ۳. سالمند از نگاه نقش والدینی آنان.

پژوهش فخرزاده و سلطانی مهاجر (۱۳۹۶) نشان می‌دهد که جایگاه سالمندان و مراقبت از سلامت آنها در اسلام امری ضروری است و وظیفه دولت فراهم کردن امکانات و شرایط زندگی شرافتمندانه برای سالمندان است تا نیازهای مادی و معنوی این گروه سنی برآورده گردد. در اینجا باتوجه به آیات و روایات شاهد نوعی توجه به وظایف دولت‌ها در گستره سالمندی هستیم.

نتایج پژوهش حسینی و دیگران (۱۳۹۸) در رابطه با ترس از مرگ با باورهای مذهبی و اختلالات روانی سالمندان ساکن در سرای سالمندان شهرستان کرج نشان می‌دهد که مسئله مرگ به طور معناداری با سطوح مذهبی بودن ارتباط دارد. در این پژوهش اگر باور مذهبی درونی فرد قوی باشد، ممکن است اضطراب مرگ در او کاهش یابد، ولی اگر باور مذهبی بیرونی باشد، ممکن است مذهب نتواند به کاهش اضطراب مرگ در فرد کمکی کند؛ بنابراین هدفشان را بر محوریت رابطه ترس از مرگ با نقش باور مذهبی و اختلالات روانی قرار داده‌اند.

عباس‌پور و طباطبایی امین (۱۳۹۸) در پژوهش خود در باره آداب تعامل مثبت جامعه با سالمندان بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات بر تعامل مثبت با سالمندان از نظر اسلام تأکید کرده و باتوجه به منابع اسلامی راهبردها و مصادیقی را برای ارتباط و تعامل درست با سالمندان مطرح کرده‌اند همانند کسب معالم دینی از سالمند، گوش سپردن به سخنان آنها، احترام به آنها... این پژوهش صرفاً بر ملاک تکریم سالمند و شیوه‌های ابراز آن از نظر اهل بیت تمرکز دارد.

صادقی (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان کرامت سالمندان از منظر آیات و روایات تأکید دارد بر ایجاد عواملی که منجر به کرامت در آنان می‌شود، همانند دیدار با سالمندان و قدردانی از آنها و شناخت آثار و برکات آنان. مؤلف تکریم آنها را از منظر برخی روایات مورد بررسی قرار داده است.

در این تحقیقات، به کرامت سالمندان در آیات قرآن و روایات تأکید شده است. اما هیچ‌کدام از این تحقیقات به شکل جامع تمامی آیات مرتبط با سالمندی را، برای دستیابی به

ابعاد چندگانه تحول جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی پوشش نداده‌اند و نیز به تأثیر آن در تولید فرهنگ اسلامی نپرداخته‌اند.

۳. مفهوم‌شناسی

۱.۳ تعریف سالمندی

سالمندی در لغت: کلان‌سال، مسن، بزاد برآمده و بزرگ‌سال (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱۳۳۴۸/۹). سالمندی در اصطلاح: سالمندی یکی از مباحث مطرح در روان‌شناسی رشد بوده و به معنای آخرین مرحله از مراحل دوره رشد در دنیا است که از حدود ۶۵ سالگی تا پایان عمر ادامه دارد و هنگامی که رشد جسمانی و شناختی را در دوران پیری دنبال می‌کنیم، خواهیم دید که با نزدیک شدن مرگ توازن پیشرفت‌ها و کاهش‌ها به هم می‌خورد (لورا برک، ۱۳۹۳: ج ۳۳۶/۲-۳۳۷). سالخورده‌گی و پیری از نظر زمان و سن بر همه مردمان آشکار است. روان‌شناسان معمولاً دوره سالمندی را به‌عنوان دوره انحطاط در نظر می‌گیرند. افراد در دوره سالمندی با مجموعه‌ای از ناتوانی‌های جسمی، شناختی و هیجانی و محرومیت‌های اجتماعی روبه‌رو می‌شوند که باید با آنها کنار بیایند. در این دوره، نیرومندی و سلامت جسمانی آنها کاهش می‌یابد و همراه با بازنشسته شدن از شغل خود، تا حد زیادی درآمدشان را از دست می‌دهند و به‌مرور زمان، رابطه‌شان با همسر، خویشاوندان و دوستان محدود می‌شود. همراه با این آسیب‌ها آنها دچار افت جایگاه اجتماعی نیز می‌شوند که ملازم سالمندی است؛ لکن با وجود این، همواره توانایی و میل مهارکردن محیط اطراف خود را حفظ می‌کنند و اگر پاره‌ای از افراد را که دوست داشته، از دست داده‌اند اما هنوز نیاز به دوست داشتن و نیاز به محبت در وجود آنها بیدار است. به برکت بهبود مداوم مراقبت‌های پزشکی، تغذیه و امکانات پیشرفته محیطی ناشی از زندگی نوین، تعداد بیشتری از افراد فرصت می‌یابند تا به دهه هفتاد و حتی بیشتر قدم بگذارند (سند ملی سالمندان کشور مصوب ۱۳۹۹: ۴)؛ بنابراین «کهنسالی تنها به‌صورت یک کل قابل فهم است. کهنسالی تنها یک واقعیت زیستی نیست؛ بلکه یک حقیقت فرهنگی نیز هست» (دوبوار، ۱۳۶۵: ۲۰).

معنای سالمندی را عمدتاً فرهنگ تبیین می‌کند. در فرهنگ اسلامی گاه سالمندی رسیدن به خردمندی و فرزانه‌گی است و در فرهنگ غرب سالمندی و مرگ مهارشدنی نیست و برای بسیاری از افراد وقوع آن، صدمه‌زدن به موجودیت آدمی است. در واقع می‌توان گفت: مهم‌ترین

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی (نوشین چترچی) ۶۱

مسئله در دوره سالمندی کنار آمدن با تنهایی، بیماری و پذیرش و آمادگی برای مرگ است. در دوره سالمندی، واقعیت‌ها، نگرش افراد را نسبت به زندگی تغییر می‌دهد؛ افرادی که قبلاً پذیرش واقعیت متناهی بودن زمان برای آنها سخت بود، در این دوره می‌پذیرند که زندگی پایان‌یافتنی و رو به افول است؛ از این رو، کاملاً احساس می‌کنند که مرگ در زندگی آنها است و باید خود را برای مردن آماده کنند؛ لکن از آنجاکه نگرش افراد نسبت به مرگ و مردن، با هم متفاوت است و نیز در فرهنگ‌های گوناگون دنیا، مرگ به گونه‌های مختلف تفسیر می‌شود، لذا خرده‌فرهنگ‌ها و حتی افراد در درون یک فرهنگ نیز واکنش‌های متفاوتی به مرگ نشان می‌دهند. در جوامع اسلامی، نگرش سالمندان نسبت به مرگ در قیاس با افراد دیگر واقع‌گرایانه‌تر و با اضطراب کمتر است؛ البته تفاوت‌های فردی نیز وجود دارد. نگرش و نحوه برخورد افراد با مسئله مرگ به طور معناداری با سطوح مذهبی بودن ارتباط دارد (حسینی و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۵۴). افراد دارای سطوح بالاتر مذهبی نگرش مثبت‌تر و سالم‌تری نسبت به مرگ دارند (شجاعی، ۱۳۹۷: ج ۱-۱۵۷/۱-۱۶۴).

۲.۳ تعریف فرهنگ

فرهنگ در لغت: «فرهنگ» در فارسی از «فر» و «هنگ» ترکیب یافته است «فر» پیشوند است؛ به معنای جلو، پیش و بالا و «هنگ» از ریشه اوستایی است به معنای کشیدن و نیز به معنای تعلیم و تربیت است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۱/۱۷۱۳۲)؛ بنابراین فرهنگ، یعنی «بالاکشیدن» و «اعتلا بخشیدن» (ر.ک: کاشفی، ۱۳۹۴: ۲۷).

برخی پیشوند فر را به معنی شکوه و جلال و زیرکی، دانایی و پسوند هنگ را به معنای تراویدن و برون کشیدن، دانسته و گفته‌اند: فرهنگ فر و شکوه کسان را بیرون می‌کشد و نمایان می‌کند (یکتایی، ۹۱:۴).

فرهنگ در اصطلاح: در گذشته فرهنگ در اصطلاح «فصل جداگر» انسان از حیوان بود (ولایتی، ۱۳۸۶: ۱۹)؛ لکن در معنای امروزی

فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای از دانستی‌ها، اعتقادات، هنرها، اخلاقیات، قوانین، عادات و هرگونه توانایی دیگری است که انسان به‌عنوان عضوی از جامعه به آن دست می‌یابد. در علم مردم‌شناسی، فرهنگ به معنای راه‌ورسم زندگی است و به عبارتی دیگر، فرهنگ در برگیرنده تمامی تلاش‌های فکری بشر برای رسیدن به تعالی و کمال است. (صادقی و همکاران، ۱۳۹۵: ۲۹)

هر تمدنی دارای خاستگاهی عقلانی است و می‌توان آن را فرهنگ یک تمدن دانست. (کریمی قهی، بابایی، ۱۳۸۶: ۴۰).

بنابراین، شناخت حقیقت فرهنگ، مستلزم شناخت هدف انسان و رفع نیازهای وی در چهار قلمرو طبیعت، ماورای طبیعت، خویش و انسان‌های دیگر است. فرهنگ، سه‌نظام وابسته به یکدیگر دارد: نظام شناخت‌ها و باورها که فعالیت‌های بشر در گستره اندیشه است، نظام ارزش‌ها و گرایش‌ها که بیانگر ارزش‌ها و اعتقاد به آنها است که میان مطلوب و نامطلوب، خوب و بد، شایسته و ناشایسته و... در قالب آموزه‌های ارزشی، اخلاقی، حقوقی به معنای عام آن مرزبندی می‌شود و نظام رفتارها و کردارها که هماهنگ‌سازی رفتار آدمی با کردار دیگران را برای انسان ممکن می‌سازد. در واقع، باتوجه به نوع گزینش نظام شناخت‌ها و باورها و نظام ارزش‌ها و گرایش‌ها آموزه‌های عملی و فنون رفتاری انسان ترسیم می‌شود (کاشفی، ۱۳۹۴: ۳۳-۳۴).

۳.۳ فرهنگ اسلامی

فرهنگ اسلامی خود یک فرهنگ خاصی با روح خاص و یک سلسله مشخصات مخصوص به خود است (مطهری، ۱۳۹۰: ج ۱۷/۱). اسلام خود سازنده فرهنگ است (مطهری، ۱: ۵: ج ۴۰۵/۶). فرهنگ الهی آن است که منشأ اجزای تشکیل‌دهنده‌اش (نظام باورها و شناخت‌ها، ارزش‌ها و گرایش‌ها، رفتارها و کردارها) الهی و محتوا و هدفش نیز، دینی و ملکوتی باشد (کاشفی، ۱۳۹۴: ۳۶؛ کافی، ۱۳۹۲: ۱۷). روح فرهنگ اسلامی توأم بودن علم و ایمان است (مطهری، ۱۳۸۹: ج ۱۷/۱۴). اقامه و بپا داشتن دین به اقامه فرهنگ اسلامی است (مطهری، ۱۳۸۵: ج ۶/۴۰۶). در این مقاله ما از فرهنگ اسلامی سخن می‌گوییم که هر سه نظام مورد اشاره در بالا، از آموزه‌های دین مبین اسلام نشأت گرفته است.

۴. روش پژوهش

پژوهش حاضر پیرو پژوهش‌هایی از نوع کتابخانه‌ای و اسنادی است. در این پژوهش تمام متن قرآن کریم مبنای کاوش در مورد سالمندی قرار گرفته است. بدین خاطر می‌توان گفت، شیوه انتخاب آیات مرتبط با سالمندی، شیوه گزینشی نیست؛ بلکه روش سرشماری است. یعنی اینکه

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی (نوشین چترچی) ۶۳

تمام آیات قرآن، مبنای واری است. ابزارهای مورد استفاده در این پژوهش، فیش‌برداری از آیات در مورد سالمندی در قرآن است.

قابل ذکر است که در تحلیل و تبیین نتایج تحقیق حاضر برای پاسخ‌دهی به سؤالات تحقیق، از تفاسیر قرآن استفاده شده است. نکته‌ای که قابل تأمل است اینکه آنچه که در این رابطه از منابع دینی دریافت می‌کنیم صرفاً یک توصیف نیست، بلکه جنبه ارزشی دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ج ۵۲۸/۴۶) و باید‌ها و نباید‌هایی را نیز به دنبال خود مطرح می‌کند که بعد از به‌دست آمدن جامع نتایج سپس از آنها سخن خواهیم گفت.

آنچه که ذکر آن در اینجا ضروری به نظر می‌رسد این است که به تصریح آیات قرآن کریم، قرآن کتاب هدایت است (بقره ۲)، بنابراین آنچه در قرآن ذکر می‌شود به جهت هدایت انسان و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی او است.

براین اساس آیاتی که در قرآن کریم در رابطه با سالمندی ذکر شده است، باید در چارچوب اصول اعتقادی اسلام (خدا محور، معاد محور و عدل محور) مورد مذاقه قرار گیرد و اینکه فعل خداوند حکیمانه است که به جهت تحقق هدایت و رسیدن به سعادت دنیوی و اخروی انسان است. در رویکرد انسان‌شناختی درون دینی، انسان مخلوق خداوند است (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ج ۵۲۴/۴۶) و از بعد روحانی و ویژگی اختیار برخوردار است و آفرینش هدف‌مند است و برای رسیدن به سعادت و کمال نهایی از عقل، فطرت و ابلاغیه نقشه راه از سوی آفریدگار بهره‌مند است و زندگی‌اش جاودانه و ابدی است؛ پس باتوجه به چنین پیش‌فرضی آیات مورد تحلیل قرار می‌گیرد (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۳۳۹/۵۷-۳۴۰ و ۳۴۶-۳۴۷).

همچنین قرآن کریم باتوجه به نظام تکوین و خلقت انسان رهنمودی را برای نظام تشریح و قانون‌گذاری بیان می‌فرماید؛ لذا اگر به مرحله سالمندی و پیری به‌عنوان یکی از مراحل زندگی انسان می‌پردازد، ناظر به نظام تکوین است و در این جهت است که باتوجه به ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و توانایی‌های این مرحله از زندگی انسان وارد نظام تشریح و قانون‌گذاری شده و مسئولیت‌ها، وظایف و تکالیفی را برای شخص سالمند، خانواده و جامعه تعریف می‌نماید که به این ترتیب، گامی در جهت فرهنگ‌سازی اسلامی و دینی برداشته می‌شود؛ بنابراین تحلیل موارد فارغ از بررسی نتایج در این چهارچوب، ممکن است ما را دچار خطای شناختی کند.

۵. یافته‌های پژوهش

۱.۵ مولفه‌های سالمندی در آیات قرآن

در مجموع ۹ آیه در قرآن کریم، در مورد مولفه‌های سالمندی ارائه شده است که باتوجه به اینکه رشد و تحول انسان، طی دوره‌ها و مراحل به وجود می‌آید که از نظر کیفیت با یکدیگر تفاوت دارند، آیات در مورد سالمندی در محور رشد جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی سازماندهی شده است.

در قرآن از پیری با تعابیر گوناگونی یاد شده است، از جمله شیخ (کسی که سش بالا است و مشهور به وقار و بزرگی است)، شیب (زوال انسان از طراوت و نیرومندی به ضعف و شکستگی)، عجز (پیرزنانی که قوت و قدرت خود را از دست می‌دهد و ضعیف می‌شود)، القواعد من النساء (زنانی که زمان حیض و ازدواجشان تمام شده است)، کهل (کسی که جوانی‌اش تمام شده یا رشدش کامل شده است)، کبر (بزرگی و پیری)، الضعفا (افراد ضعیف و ناتوان)، خوالف (بازنشستگان) و اردل العمر (پایین‌ترین و پست‌ترین مرحله زندگی که وقتی انسان به آن می‌رسد، دیگر امیدی به بازیابی نیرو نیست).

یکی از اهداف قرآن کریم در طرح برخی مسائل طبیعی و تکوینی از جمله پدیده پیری، توجه به این‌که پیری یکی از آیات و نشانه‌های خداوند است، چون اوست که انسان را به پیری می‌رساند و در این دوره قوای جسمانی، شناختی، هیجانی و اجتماعی او رو به کاستی و ضعف است و هیچ انسانی نمی‌تواند به‌طور کلی پیری را مهار کند و یادآوری این دوره از نظر تأثیر اخلاقی، انسان را از غرور و غفلت بیرون می‌آورد و همچنین از نظر شناخت دینی، توجه به نقش خداوند در تحقق پدیده پیری و توجه به علم و قدرت او و هدایت انسان به مسائل ماورای این دنیا است؛ به‌عنوان مثال در آیه ۶۷ سوره غافر پس از ذکر مراحل عمر انسان از جمله دوران پیری، غرض از آن را تعقل انسان برشمرده است «یعنی تا شاید شما حق را با نیروی تعقل که غریزه شما است درک کنید؛ و این غایت خلقت انسان از نظر حیات معنوی او است، همچنان که رسیدن به اجل مسمی، غایت و نهایت زندگی دنیایی و صوری او است» (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۱۷ / ۵۵۳).

به‌منظور دستیابی به این حقیقت که از نگاه درون دینی کدام تغییرات در انسان‌ها مربوط به سالخوردگی است؟ این امر را در قرآن مورد بررسی قرار دادیم. در قرآن کریم به برخی از

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی (نوشین چترچی) ۶۵

مؤلفه‌ها و نشانه‌ها و پیامدهای رشد سالمندی اشاره شده است، این تغییرات کمی و کیفی عبارت است از:

۱.۱.۵ رشد جسمی سالمندی

۱.۱.۱.۵ سفیدشدن مو

یکی از پیامدها و نشانه‌های سالمندی، سفیدشدن موی است که قرآن از آن به شعله گرفتن سر یاد کرده است: «وَاشْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا» (مریم/۴) وجه تشبیه سفیدی موها به شعله آتش این است که سفیدی همانند آتش که به تدریج شعله‌ور شده، گسترش می‌یابد تمام موهای سر را فرامی‌گیرد (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۹/۱۴) یا اینکه موی سفید چون شعله آتش از دور می‌درخشد. شیب (اجوف یایی) به معنای موی یکسره سفید است نه اینکه سفید آن با سیاه درآمیخته شده است (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۶۹/۵۳-۷۰).

حضرت علی (ع) می‌فرماید: «المشيبُ رسولُ الموتِ» موی سپید، پیک مرگ است (خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۱/۳۱۵).

بنابراین، موی سفید یک هشدار است بر اینکه مرگ نزدیک است و باید انسان‌ها خود را برای حیات اخروی که زندگی جاودانه است آماده کنند و ذخیره شایسته‌ای مهیا نمایند که سعادت و خوشبختی را برای حیات ابدی به ارمغان آورد.

۲.۱.۱.۵ سستی استخوان

پیری و سالخوردگی انسان، باعث سست شدن استخوان می‌شود: «قال رب انى وهن العظم منى...» گفت پروردگارا! استخوانم سست شده... (مریم/۴). حضرت زکریا (س) ضعف را به جنس استخوان نسبت داد (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۹/۱۴). وقتی استخوان‌ها که ستون پیکره و محکم‌ترین عضو است، سست و پوک شود، در دیگر اعضای بدن نیز نیرو و توانی یافت نمی‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۷۵/۵۳).

زیرا پروسه پیری و مسن شدن در واقع همان فرسایش برنامه‌ریزی و کنترل‌شده ژنتیکی اندام‌ها و سایر ارگان‌ها و سامانه‌های اصلی و حیات‌بخش بدن هستند که به نشانه‌ها و علائمی چون کاهش و زوال ماهیچه‌ها، ضعف استخوان‌ها، ضعف جسمی و حرکتی و آسیب‌پذیر بودن انسان به بیماری‌ها منجر می‌شود (لازاروس، ۱۳۹۳: ۲۴).

۳.۱.۱.۵ ضعف و ناتوانی

نقصان، ضعف و ناتوانی، از آثار طبیعی پیری است: «اللّٰه الذی خلقکم من ضعف ثم جعل من بعد ضعف قوه ثم جعل من بعد قوه ضعفا و شبیه یخلق ما یشاء و هو العلیم القدیر» خدا همان کسی است که شما را آفرید درحالی که ضعیف بودید سپس بعد از این ضعف و ناتوانی قوت بخشید، و باز بعد از قوت، ضعف و پیری قرارداد، او هر چه بخواهد می آفریند، و اوست عالم و قادر (روم/۵۴).

ضعف نقطه مقابل قوت است و کلمه «من» در جمله «من ضعف» برای آغاز است و آیه به این معناست که خداوند خلقت شما را از ضعف آغاز کرد، یعنی در آغاز خلقت ضعیف بودید و مصداق این ضعف - چنانچه از مقابله برمی آید - همان کودکی اول است، هرچند ممکن است برای نطفه هم صادق باشد. همچنین مراد از قوت پس از ضعف، رسیدن کودک به بلوغ است، و مراد از ضعف بعد از قوت، پیری است، لذا کلمه «شبیه» (پیری) را بر «ضعف» افزود، اگر واژه ضعف و قوت نکره است، برای دلالت بر ابهام، و معین نبودن مقدار آن است، زیرا افراد در آن متفاوت هستند. «یخلق ما یشاء» اشاره است به اینکه پشت سرهم قراردادن این سه حالت، از مقوله خلقت است و چون این حالی به حالی کردن انسانها در عین اینکه تدبیر است، خلق نیز هست. آنگاه کلام را با ذکر دو صفت علم و قدرت خدا پایان داده است (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۱۶ / ۳۲۳). آیه مورد بحث، به ضعف ساختاری انسان اشاره دارد؛ لذا به وجودی قوی نیازمند است (جوادی، ۱۴۰۱: ج ۶۴/۶۸۹). اینکه آیه کریمه با صفت علیم و قدیر بودن خداوند به پایان رسیده با نیاز انسان تناسب دارد.

باتوجه به آیه این موارد از آن دریافت می شود: توجه به خالقیت خداوند و مخلوقیت انسان و مراحل رشد جسمانی انسان (از ضعف به قدرت // از قدرت به ضعف) و نهایت استفاده از دوره قدرت برای رسیدن به تعالی معنوی و آگاهی و آمادگی برای مواجهه با سالمندی و توجه به صفات علم و قدرت الهی که منشأ همه تحولات و ظهور نقص و کمال در سیر زندگی انسان است.

بنابراین، انسان دارای دوره تحولی است که از ضعیفی شروع و پس از مدتی توانمندی دوباره به ضعف و ناتوانی کشیده خواهد شد به عبارت دیگر قرآن یک واقعیتی از دوره زندگی آدمی را به وی یادآوری می نماید با چنین یادآوری، قرآن این پیش آگاهی را به آدمی می دهد تا ضمن آن که وی را برای چنین مقطعی آماده سازد او را وادار کند که از دوره توانمندی استفاده بهتری بنماید و اینکه یک فرد سالمند ضعفها و سستی های مربوط به این سنین را به عنوان

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی (نوشین چترچی) ۶۷

واقعیت اجتناب‌ناپذیر، پذیرا باشد و خود را با آن سازگار کند و همچنین از این آیه می‌توان برداشت کرد که پیری ضعیفی است همچون ضعف یک کودک یعنی همان‌طور که یک کودک نیازمند حمایت، توجه و کمک و نیرو در ابعاد عاطفی، اقتصادی، روانی، اجتماعی و... است. سالمند نیز نیازمند چنین توجهی است توجه‌های همراه با تکریم، توقیر و اجلال (بهرامی و دیگران، ۱۳۸۸: ۷۰-۸۳).

۴.۱.۱.۵ طول عمر

فاصله میان تولد و مرگ را «عمر» می‌گویند، زیرا در این مدت انسان تلاش می‌کند که خویشتن خود و زندگی‌اش را آباد نماید (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ج ۵۲۷/۴۶).

«و من نعمره نكسه فی الخلق...» هر کس را که طول عمر دهیم در آفرینش واژگونه می‌کنیم... (یس ۶۸). کلمه «نعمره» از مصدر تعمیر به معنای طولانی‌شدن عمر است (تعمیر خانه را از آن جهت تعمیر می‌گویند؛ زیرا باعث طول عمر آن می‌شود) و کلمه «نکسه» از مصدر تنکیس به معنای برگرداندن چیزی است به طریقی که بالایش پایین قرار گیرد و نیرویش ضعیف شود و زیادتش به نقص تبدیل شود و انسان در پیری چنین می‌شود: قوتش به ضعف و علمش به جهل و حافظه و هوشش به فراموشی تبدیل می‌شود (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۱۶۹/۱۷؛ طبرسی؛ ۱۳۸۰: ج ۹۱/۱۲-۹۲؛ زمخشری؛؟: ج ۲۵/۴؛ ابوالفتوح رازی، ۱۳۵۲: ج ۲۸۷/۹-۲۸۸؛ خزاعی، ۱۳۷۸: ج ۱۶۶/۱۶). این آیه شریفه می‌خواهد به مضمون دو آیه قبل (که مسئله مسخ و ناپیما کردن را بیان می‌کند) گواهی دهد و می‌فرماید خداوندی که خلقت انسان را در دوران پیری تغییر می‌دهد و هر چه به او داده، پس می‌گیرد، قادر است چشم کافران را از آنها بگیرد و در جایی که هستند مسخ کند و در این جمله که فرمود: «افلا یعقلون» کفار را به دلیل نداشتن تعقل سرزنش می‌کند و نیز آنان را به تفکر در این امور و عبرت‌گرفتن از آن تشویق می‌کند (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۱۶۹/۱۷) و از سوی دیگر جمله «افلا یعقلون» هشدار به انسان‌ها است که اگر این قدرت و توانایی که دارید عاریتی نبود به این آسانی از شما گرفته نمی‌شد تا به آن مرحله نرسیده‌اید خود را دریابید و توشه راه طولانی آخرت را از این جهان بگیرید (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ج ۴۳۷/۱۸).

توضیح اینکه «نکسه» در اینجا کنایه از بازگشت کامل انسان به حالات کودکی اول است. انسان از ابتدای خلقت ضعیف است و به تدریج رشد می‌کند و تکامل می‌یابد، در دوران جنینی هر روز شاهد آفرینش جدید و رشد جدیدی است، پس از تولد به سرعت مسیر تکاملی خود را

در جسم و روح ادامه می‌دهد و قوا و استعدادهای خدادادی که در وجودش نهفته است یکی پس از دیگری شکوفا می‌شود، جوانی می‌آید و بعد از آن پختگی می‌آید و انسان در اوج تکامل جسمی و روحی قرار می‌گیرد، اینجا گاهی روح و جسم مسیر خود را از هم جدا می‌کند و روح به تکامل ادامه می‌دهد، درحالی‌که بدن شروع به پسرفت می‌کند، اما سرانجام عقل نیز سیر نزولی خود را آغاز می‌کند و به تدریج و گاهی به سرعت به مراحل کودکی بازمی‌گردد (مکارم شیرازی، ۱۳۸۲: ج ۱۸/۴۳۶).

غرض این است که غایت طول عمر در دنیا که همه مشتاق عمر طولانی هستند، بیماری و پیری است و بدون حزن و اندوه و کدورت نیست؛ زیرا دوستان و نزدیکان فوت می‌کنند و آدمی از این امر مکدر و محزون می‌گردد؛ نعمت‌های دنیا بدون الم و اندوه نیست چنانچه عمر طولانی که نعمت بزرگی است و همه آن را می‌خواهند لازمه‌اش کشیدن درد و اندوه مصائب عزیزان و دوستان است و طول عمر پیامدهایی از حیث جسمی، عاطفی، هیجانی و اجتماعی دارد که برای انسان نامطلوب است لیکن این پیامدها اجتناب‌ناپذیر است. عارضه پیری باوجود اینکه یک عارضه و تحول طبیعی است، ولی خود افراد در سرعت و شدت و عواقب ناگوار آن مؤثر هستند؛ و برعکس، در تأخیر، ملایمت و پیامدهای قابل تحمل و حتی خوشحال‌کننده آن مؤثرند.

۵.۱.۱.۵ فرتوتی و افتادگی

پیری و سالمندی، باعث فرتوتی و افتادگی انسان می‌شود: «قال رب انی یکون لی غلام و کانت امراتی عاقرا و قد بلغت من الکبر عتیا» (مریم/۸). «عتی» به معنای خشکی مفاصل و استخوان‌ها است. علامه طباطبایی می‌فرماید «عتی» کنایه از بطلان شهوت ازدواج و نومیدی از فرزند دار شدن است (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۱۴/۲۲). برخی عتیا را از «عتو» به معنای استکبار و مرزشکنی دانسته و براین اساس «عتیا» پیری بیش از اندازه (فرتوت) است (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۱۱۳/۵۷).

۶.۱.۱.۵ مانع زادوولد

پیری و سالمندی، از موانع زادوولد انسان‌هاست: «قال رب انی یکون لی غلم و قد بلغنی الکبر و امراتی عافر قال کذلک الله یفعل ما یشاء» (آل عمران/۴۰) حضرت زکریا (س) عرض کرد:

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی (نوشین چترچی) ۶۹

پروردگارا! چگونه ممکن است فرزندی برای من باشد، درحالی‌که پیری به سراغ من آمده، و همسر من نازاست؟ فرمود: بدین‌گونه خداوند هر کاری را بخواهد انجام می‌دهد.

«غلم» صفت مشبیه است و طفلی است که از تمام جهات غرق در شهوات است و به مرتبه عقل و احتلام نرسیده است. در قرآن کریم بر مولود جدید و هم بر طفل نابالغ اطلاق شده است. «عافر» متحول شدن مسیر زندگی و متغیر شدن حرکت طبیعی است به طوری‌که جریان اصلی لغو شود، به زنی که نمی‌زاید عافر می‌گویند، زیرا گویا نطفه را نابود می‌کند. «بلغنی الکبر» رسیدن پیری به معنای اثرگذاری پیری است (جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۴/۱۹۳-۱۹۶).

البته استفهام حضرت زکریا (س) در جمله «انی یکون لی غلام» به منظور استبعاد نبوده است و فرزند دار شدن خود را امری بعید نمی‌داند (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۳/۲۷۷؛ جوادی آملی، ۱۳۹۰: ج ۱۴/۱۹۹).

آیه «قال رب انی یکون لی غلم و کانت امراتی عاقرا و قد بلغت من الکبر عتیا» (مریم/۸) در این آیه پس از بشارت فرشتگان به فرزند دار شدن، حضرت زکریا (س) شگفت‌زده شد، زیرا پیری خودش مانع است و همسرش هم از جوانی نازا بود؛ بنابراین تعجب حضرت به خاطر نبودن شرایط در مبدأ قابل است و نه ناتوانی فاعل (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ج ۵۷/۱۱۲).

مؤید این برداشت از آیه، آیاتی است که در باره حضرت ابراهیم (س) و همسرش است «قالت یویلتی ءالد و انا عجوز و هذا بعلی شیخا ان هذا لشیء عجیب» (هود/۷۲) که در این آیه شیخ بودن حضرت ابراهیم (س) به عنوان مانع قابل برای فرزند دار شدن مطرح شده است.

بنابراین، در آیات قرآن برخی از موارد رشد جسمانی ذکر شده است؛ مانند عمر طولانی، ضعف‌های جسمانی و نشانه‌های بیرونی پیری مانند موی سفید، سستی استخوان و... لکن اندام‌های تولیدمثل، در مقایسه با سایر اندام‌های بدن، در اواخر بزرگسالی چندان تغییری نمی‌کنند، میل و فعالیت جنسی کاهش می‌یابد، ولی نیاز آن از بین نمی‌رود (برک، ۱۳۸۲: ج ۲/۳۳۷-۳۳۸).

۲.۵ رشد شناختی سالمندی

با افزایش سن در عملکرد شناختی تغییرات آشکاری دیده می‌شود که می‌توان مسئله سالمندی و تغییرات شناختی را یکی از مولفه‌های سالمندی در نظر گرفت که در آیات قرآن به این مهم نیز اشاره شده است:

۱.۲.۵ کاهش قوه ادراک و شعور و ضعف قوای علمی

بر اساس قرآن کریم دوران پیری همراه با افت شناختی، از پست ترین مراحل زندگی انسان است: «والله خلقکم ثم یتوفکم و منکم من یرد الی ارض العمر لکی لایعلم بعد علم شیئا ان الله علیم قدیر» خداوند شما را آفرید، سپس شما را می میراند، بعضی از شما به سنین بالای عمر می رسند، به طوری که بعد از علم و آگاهی چیزی نخواهند دانست (و همه چیز را فراموش می کنند) خداوند عالم و قادر است (نحل/۷۰).

کلمه «ارذل» اسم تفصیل برای بیان رذالت و پستی به کار می رود و معنای «ارذل العمر» به قرینه «لکی لایعلم» پیری و شیخوخت است که در آن قوای شعور و ادراک کاهش می یابد و البته این افت باتوجه به مزاج های مختلف متفاوت است و اغلب از سن هفتاد و پنج سالگی شروع می شود و معنای آیه این است که: خداوند شما را آفرید، سپس شما را در میان سالی می برد، و البته بعضی از شما هستند که تا سن پیری رسیده آن قدر به عقب بر می گردند که به خاطر ضعف قوای دراکه بعد از آنکه عمری عالم بودند دیگر چیزی را ندانند، و این خود دلیل و نشانه این است که زندگی و مردن و شعور و علم شما به دست خود شما نیست، و گرنه شعور خود را برای خود نگه می داشتید، و زندگی خود را هم برای خود حفظ می کردید؛ بلکه این زندگی و علم با نظام عجیبی که دارد به علم و قدرت خدا منتهی می گردد، و به همین جهت است که مطلب را با جمله «ان الله علیم قدیر» تعلیل فرمود (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۱۲ /۴۴۳).

«یایها الناس... و منکم من یرد الی ارض العمر لکیلا یعلم من بعد علم شیئا...» (حج/۵) ای مردم... و بعضی آن قدر عمر می کنند که به بدترین مرحله زندگی و پیری می رسند آن چنان که چیزی از علوم خود را به خاطر نخواهند داشت... (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۱۴ / ۵۱۳؛ جوادی آملی، ۱۳۹۷: ج ۴۶ / ۵۲۸؛ زمخشری، ۱۴۵۳: ج ۳ / ۱۴۵؛ ابوالفتح رازی، ۱۳۵۲: ج ۷ / ۱۲۰). برخی از مفسرین ارذل العمر را به این دلیل فروترین مرحله عمر می دانند که فرد به انتظار مرگ می نشیند و دیگر از آمدن سلامت، نشاط، جوانی و شادابی ناامید است (طبرسی، ۱۳۸۰: ج ۹ / ۲۱۹-۲۲۰؛ ج ۷ / ۶۶۷). به هر حال واژه «ارذل» پیام نفی ارزشی و معنوی دارد و در برابر عزت و عقل به کار می رود (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ج ۴۶ / ۵۲۲). در آیه «من» تبعیض است که برخی به این مرحله می رسند و «من» نکره موصوف است و «ال در لکیلا» برای عاقبت است (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ج ۴۶ / ۵۳۳؛ خزاعی، ۱۳۶۸: ج ۱۳ / ۲۹۹-۲۴۰). کلمه «شیئا» نکره است و در سیاق نفی است و

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی (نوشین چترچی) ۷۱

دلالت بر عموم می‌کند؛ یعنی برخی از سالمندان، در پایان عمر هوش خود را که مهم‌ترین سرمایه انسان است، ازدست داده و به فراموشی گرفتار می‌شوند و علوم اکتسابی در حافظه آنان نمی‌ماند (جوادی، ۱۳۹۹، ج: ۵۷/ ۳۵۶-۳۵۷) از منظر قرآن کریم «ارذل العمر» نامطلوب است. (عباس پور و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۲)؛ بنابراین در پیران قدرت فکرکردن پیوسته نقصان می‌پذیرد و مانند چهره پژمرده می‌شود؛ اسمای حسناى پایان آیه «ان الله علیم قدیر» از نظر تربیتی و اخلاقی راه مبتلا نشدن به «ارذل العمر» را نشان می‌دهد؛ زیرا انسانی که با اخلاص و رضای الهی به خدای دانا و توانا می‌پیوندد و مظهر خداوند علیم و قدیر می‌گردد، علم و توانایی‌اش در دوران سالمندی اگر حکمت و مصلحت خداوند اقتضاء کند حفظ می‌شود (جوادی آملی، ۱۳۹۷: ج ۵۲۹/۴۶-۵۳۴)؛ همچنین بنا بر فرموده پیامبر اسلام (ص) قرائت قرآن، انسان را از نادانی در پایان عمر حفظ می‌کند (جوادی، ۱۳۹۹، ج: ۵۷/ ۳۵۸). به‌رحال اگر عارضه نسیان و فراموشی بر اثر تنبیه الهی باشد اهل ایمان و تقوی از آن مستثنی هستند و در صورتی که بر اثر روند عادی و طبیعی دوران پیری و فرتوتی باشد دامن‌گیر صالحان و نیز طالحان خواهد شد (جوادی، ۱۳۹۹: ج ۳۷۲/۵۷).

بیماری آلزایمر شایع‌ترین نوع زوال عقل است. آلزایمر که اغلب با مشکلات جدی حافظه شروع می‌شود، تغییرات شخصیت، افسردگی، ازدست‌دادن توانایی درک‌کردن و صحبت‌کردن، گسیختگی حرکات هدف‌مند و مرگ را همراه دارد (لورا برک، ۱۳۹۳: ج ۲/ ۳۹۹). به‌طورکلی هنگامی که سالخوردگان مسن‌تر می‌شوند، نمرات آنها در تکالیف شناختی به‌طور فزاینده‌ای بی‌ثبات می‌شوند؛ به‌عنوان مثال سرعت پردازش به کاهش خود ادامه می‌دهد، مقدار اطلاعاتی که بتوان در حافظه فعال نگهداشت، بیشتر کاهش می‌یابد، فراموشی خاطرات دور تا اندازه‌ای روی می‌دهد... و با نزدیک شدن مرگ، کاهش نهایی - شتاب قابل‌ملاحظه در تباهی عملکرد شناختی - روی می‌دهد (لورا برک، ۱۳۹۳: ج ۲/ ۴۰۰).

۲.۲.۵ توصیف مرحله پیری به شیخ

در سه آیه از آیات قرآن کریم واژه «شیخ» به‌کاررفته است که همسر حضرت ابراهیم (س) به وی شیخ گفته (هود/ ۷۲) و نیز فرزندان حضرت یعقوب (س) به پدرشان شیخ کیبر (یوسف/ ۷۸) و همچنین فرزندان حضرت شعیب (س) (قصص/ ۲۳) نیز پدرشان را شیخ کیبر نامیدند به نظر می‌رسد که انتساب این واژه به دلیل این است که آنها را دارای علم، دانایی، خردمندی و فرزاندگی می‌دانند؛ زیرا مثلاً حضرت زکریا (س) خودش را به کبر (آل‌عمران/ ۴۰ و

مریم/۸) توصیف می‌کند از این رو شاید بتوان نتیجه گرفت که کاربرد لغت «شیخ» در قرآن بار ارزشی دارد؛ پس برخی پیران دارای کوله باری از تجربه و دانش اند که می‌توانند آن یافته‌های گران بها را در اختیار دیگران قرار دهند و بدین گونه بر حرمت و عزت و احترام خود بیفزایند و بدین ترتیب با داشتن روابطی با کیفیت مناسب از حمایت اجتماعی و مصاحبت لذت بخش برخوردار شوند. در تأیید این برداشت از قرآن می‌توان به سخن حضرت علی (ع) استناد کرد: «رأى الشيخ أحب الی من جلد الغلام» اندیشه پیر در نزد من از تلاش جوان خوشایندتر است؛ مراد این است که رأی و تدبیر پیران بهتر است از جلادت و قوت جوانان و بسیار باشد که به تدبیر فتحی چند روی دهد که به قوت و جلادت ممکن نباشد (خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۴ / ۹۳).

بررسی‌ها در ملل و نحل مختلف مثل چین، یونان قدیم، روم قدیم و قوم یهود نشان می‌دهد که سالمندان در بالاترین نقطه قدرت جای می‌گرفتند و مورد اطاعت و احترام بودند و بالا بودن سن یک امتیاز بوده و با حکمت مرتبط است (مجیدی، ۱۳۷۸: ۴۹-۵۰).

از نگاه روان‌شناسان خردمندی در واقع دانش عملی گستره، توانایی فکر کردن به این دانش و به کاربردن آن به شیوه‌ای که زندگی را قابل تحمل تر و با ارزش تر کند؛ پختگی هیجانی، از جمله گوش کردن، ارزیابی کردن و توصیه دادن، خلاقیت نوع دوستانه که کمک کردن به بشریت و غنی ساختن زندگی دیگران را شامل می‌شود. خردمندی خواه در مورد مسائل شخصی به کار برده شود یا مسائل اجتماعی، ملی و بین‌المللی... به حداکثر آگاهی از شرایط انسان نیاز دارد. تعجب آور نیست که فرهنگ‌های سرتاسر دنیا، فرض می‌کنند که سن و خردمندی با یکدیگر همراه هستند. هنگامی که سن و تجربه زندگی در دست و پنجه نرم کردن با مشکلات انسان ترکیب شوند سالخورده‌گان بیشتر از جوانان در بین خردمندان قرار می‌گیرند (لورا برک، ۱۳۹۳: ج ۲/۳۹۲-۳۹۳ و ۴۰۰).

شاید بتوان دوران سالمندی را دوران شکوفایی و دوران نتیجه‌گیری از عمر و فصل برداشت حاصل زندگی دانست همان‌طور که ولتر، ویکتور هوگو، ادیسون، پیکاسو و... در کهنسالی حاصل تجربیات زندگی خود را برای استفاده عموم مردم به عالم بشریت عرضه کردند (مجیدی، ۱۳۷۸: ۴۲-۴۳). عده‌ای کهنسالی را مطلوب‌ترین دوران زندگی می‌دانند؛ زیرا در این دوره آرامش و خرد و تجربه هر سه به دست می‌آید. بر اساس چنین نظری عمر بشر هرگز نقطه سقوط ندارد (دوبوار، ۱۳۶۵: ۱۹).

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی (نوشین چترچی) ۷۳

در همین رابطه داستان‌های قرآنی مانند ارتباط اجتماعی حضرت ابراهیم (س) با مردمان زمانه خودش و نیز حضرت یعقوب (س) با فرزنداناش و حضرت موسی (س) با امتش و... را می‌توان به‌عنوان الگوهای عملی شیخ‌های موفقیت‌آمیز مورد بررسی قرارداد.

۳.۵ رشد هیجانی و اجتماعی سالمندی

از رویدادهای مهم رشد هیجانی / اجتماعی می‌توان پرداختن به مسائل زندگی با انسجام من رشدیافته، یادآوری گذشته‌ها و مرور زندگی، احتمال رسیدن به سطح بالایی از ایمان و معنویت، کاهش اندازه شبکه اجتماعی و مقدار تعامل اجتماعی، آگاهی از مسائل سیاسی و رأی‌دادن با احتمال بیشتر و... را نام برد (لورا برک، ۱۳۹۳: ۲).

در رابطه با رشد هیجانی و اجتماعی در سالمندان، بررسی آیات ذیل نشان می‌دهد که این آیات صرفاً در صدد بیان مولفه‌های سالمندی نیستند؛ بلکه هدف توجه به بعد معنوی و تقویت باورهای دینی است:

۱- «اللّٰهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَ شَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَ هُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ» خدا همان کسی است که شما را آفرید درحالی‌که ضعیف بودید سپس بعد از این ضعیف و ناتوانی قوت بخشید، و باز بعد از قوت، ضعیف و پیری قرارداد، او هر چه بخواهد می‌آفریند، و اوست عالم و قادر (روم/۵۴).

آیه مذکور ما را نسبت به خالقیت خداوند و مخلوقیت انسان و مراحل رشد جسمانی انسان (از ضعیف به قدرت و از قدرت به ضعیف) آگاه می‌کند؛ و نتیجه چنین شناختی نیز استفاده از دوره قدرت برای رسیدن به تعالی معنوی و آگاهی و آمادگی برای مواجهه با دوران سالمندی است و آیه در پایان متذکر صفات علم و قدرت الهی است.

۲- در آیه «وَاللّٰهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّكُمْ وَ مِنْكُمْ مَنْ يَرُدُّ الِىٰ اَرْدَلِ الْعَمْرِ لِكِي لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا اِنَّ اللّٰهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ» خداوند شما را آفرید، سپس شما را می‌میراند، بعضی از شما به سنین بالای عمر می‌رسند، به طوری که بعد از علم و آگاهی چیزی نخواهند دانست (و همه چیز را فراموش می‌کنند) خداوند عالم و قادر است (نحل/۷۰).

آیه کریمه علاوه بر بیان خالقیت خداوند، مخلوقیت انسان و صفات علم و قدرت الهی ما را متوجه این موارد می‌کند: توجه به بعد معنوی و روحانی انسان (یتوفی)، توجه به مرگ و آمادگی برای مواجه شدن با آن، توجه به معاد و حیات اخروی بعد از

حیات دنیوی و توجه به رشد شناختی انسان (ارذل العمر)؛ بنابر این تا قبل از رسیدن به مرحله «من بعد قوه ضعفا و شبیه» و «ارذل العمر» باید فرصت را غنیمت شمارد و بر مولفه‌هایی که ساختار زندگی را تغییر می‌دهد، توجه نمود و نیز بر هدفهای زندگی که شخصا با ارزش هستند متمرکز شد و از آن جمله می‌توان تمرکز بر باورها و بینش‌های دینی و ارزش‌ها و گرایش‌های دینی که خود منشاء کنش‌ها، رفتارهای مناسب و پای‌بندی به آداب و رسوم دینی است را، نام برد. چنانچه حضرت علی (ع) بر تاثیر گذشت زمان بر ثبات و پایداری شناخت آدمی تاکید دارند: «اذا شاب العاقل شب عقله» هرگاه عاقل پیر شود، عقلش جوان می‌شود؛ یعنی آنچه در مدت متمادی عمر از تأمل و تفکر و عبرت‌ها و تجربه‌ها حاصل شده است پایدار و قوی می‌شود (خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۳ / ۱۹۲). «اذا شاب الجاهل شب جهله» هرگاه نادان پیر شود، نادانش جوان شود؛ یعنی نادانی قوی و محکم می‌گردد زیرا که هر صفتی که انسان دارد با گذشت زمان، ثابت تر و راسخ تر می‌گردد (خوانساری، ۱۳۶۶: ج ۳ / ۱۹۲).

امروزه معنویت و انجام فعالیت‌های مذهبی نیز به عنوان یکی از عوامل تاثیرگذار در سالمندی سالم شناخته می‌شود. البته چگونگی این تاثیرگذاری هنوز به صورت کامل شناسایی نشده است، اما برخی پیشنهادها برای چگونگی این تاثیرگذاری عبارت‌اند از:

۱. اعتقاد به خدا ممکن است مستقیماً روی سلامتی اثر داشته باشد؛ ۲- اعتقادات مذهبی ممکن است باعث شود افراد رفتارهای سالم‌تری داشته باشند؛ ۳- ادیان ممکن است به افراد راه‌های بهتر و صحیح‌تری در جهت مقابله با مشکلات و بیماری‌ها ارائه کنند؛ و
۴. مشارکت در فعالیت‌های مذهبی ممکن است باعث آشنایی سالمندان با افراد بیشتری شده که آن افراد ممکن است بتوانند در جهت بهبود سلامت و کیفیت زندگی سالمندان به آنان کمک کنند. (بتولی و سی‌سختی، ۱۳۹۵: ۵۷-۵۸، ر.ک: لازاروس، ۱۳۹۳: ۱۵۱-۱۵۳).

می‌توان چنین نتیجه گرفت که آیات وقتی مراحل تحول رشد انسانی را حول محور توحید، معاد و ارزش‌های الهی - انسانی مطرح می‌کند، به نوعی تولید سبک می‌کند و این بینش را به انسان می‌دهد که فعالیت‌های معنوی و مذهبی بر سلامت آدمی و سازگاری و کنارآمدن نقش بسیار مهمی ایفا می‌کند؛ زیرا انسان برای رشد هیجانی و اجتماعی مثبت نیازمند آموزش و تربیت است و در این تحول نقش و انتخاب آدمی غیرقابل انکار است، لذا باید سعی و تلاش کرد که در طول کمان بلندتر زندگی، اشخاص کامل‌تر و موفق‌تری باشیم.

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی (نوشین چترچی) ۷۵

بنابراین فعالیت‌ها و باورهای مذهبی باعث می‌شود که افراد زندگی را مثبت‌تر ببینند و میزان ارتباطات اجتماعی افراد بیشتر شود و از تنش‌های روزانه آنها بکاهد و از حمایت‌های اجتماعی و اقتصادی بهتر بهره‌برند (بتولی و سی‌سختی، ۱۳۹۵: ۵۸).

برخی از اندیشمندان برای عمر دو نمودار ترسیم می‌کنند: ۱- نمودار کمان که معرف مفهوم بیولوژیکی است که ما را از دوران کودکی به نقطه اوج پختگی و پس از آن سرازیری ضعف و سستی می‌رساند. ۲- نمودار دیگر پلکان است که توان بالقوه ما برای پیشرفت و حرکت صعودی به سمت خرد، رشد معنوی و یادگیری را نشان می‌دهد؛ شاید این پلکان مارپیچ باشد؛ ولی همچنان حرکت رو به بالا است (فوندا، ۱۳۹۱: ۱۱).

آنچه از آیات در رابطه با سالمندی برداشت می‌شود دقیقاً ترسیم دو نمودار کمان و پلکان است؛ در حقیقت قرآن با ترسیم نمودار کمان از مراحل رشد انسان، وی را با واقعیت طبیعی غیرقابل اجتناب آشنا می‌کند و از سوی دیگر با بیان خالقیت خداوند و مخلوقیت انسان سیر کمال پلکانی معنوی را برای وی نمودار می‌کند و با اشاره به بعد معنوی و زندگی اخروی، امید به حیات جاودانی و صبر جمیل در مقابل همه ناهمواری‌های دنیوی را فراهم می‌نماید تا اینکه قبل از اینکه دیر شود و کاری از دستش بر نیاید فرصت را غنیمت بشمارد و توشه‌ای متناسب با حیات دنیوی و اخروی تدارک ببیند و خود را تجهیز کند؛ زندگی و مرگ جزء چرخه حیات محسوب می‌شود و برای بالارفتن از پلکان رشد در دوره پایانی زندگی دنیوی و نیز برای تحقق کامل توان بالقوه باید حامی آینده شد. این می‌تواند از طریق انتقال گنجینه پربها یعنی تجربیات به دیگران باشد، نقشی که شیوخ و فرزندان در طول تاریخ بشر در مجالس، شوراها، انجمن‌ها، مؤسسات، و... ایفا کرده‌اند و نقش تأثیرگذاری در زندگی خود و یا دیگران داشته‌اند.

یکی از اندیشمندان در مورد کهنسالی و سالمندی چنین می‌گوید: «بشریت، پیشرفت اخلاقی خود را مدیون کهنسالان است، در کهنسالی، انسان بهتر و فرزانه‌تر می‌شود و تجربه‌های خود را به نسل‌های آینده انتقال می‌دهد. بدون کهنسالی بشریت راکد می‌ماند». (ر. ک: ترکانی، ۱۳۹۴: ۸).

۶. احکام فقهی سالمندی در قرآن کریم

قلمرو دین، بیان آموزه‌هایی در حوزه عقاید، اخلاق و احکام تکلیفی است؛ در رابطه با موضوع مقاله، قرآن کریم با توجه به نظام تکوین و خلقت انسان رهنمودی را برای نظام تشریح و قانون‌گذاری بیان می‌فرماید؛ لذا اگر به مرحله سالمندی و پیری به‌عنوان یکی از مراحل زندگی

انسان می‌پردازد که ناظر به نظام تکوین است، از این جهت است که باتوجه به ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و توانایی‌های این مرحله از زندگی انسان وارد نظام تشریح و قانون‌گذاری شده و مسئولیت‌ها، وظایف و تکالیفی را برای شخص سالمند، خانواده و جامعه تعریف نماید؛ زیرا بین «تکوین» و «تشریح» هماهنگی کامل وجود دارد و تشریح تابع تکوین است؛ از این رو با دگرگونی در جسم که معمولاً در دوره سالمندی حاصل می‌شود در احکام فقهی نیز تغییر ایجاد می‌شود:

در بررسی احکام فقهی پیری، گستره سالمندی در تغییر و تخفیف تکالیف تأثیر دارد و سبب می‌شود که سالمندان از رخصت استفاده کنند؛ البته کسانی از رخصت مجاز به استفاده هستند که نسبت به انجام دادن تکالیف عاجز و ناتوان باشند. اسلام برای سهولت در امور سالمندان احکام و تکالیفی را برای آنان وضع کرده است و از این طریق آنها را مورد حمایت قرار داده است و موجبات رضایت‌مندی آنها را فراهم نموده است. موضوع این احکام یا مختص افراد پیر است و یا موضوع کلی است که سالمندان از مصادیق آن محسوب می‌شوند. مهم‌ترین این احکام عبارت‌اند از:

۱.۶ سالمندی و حجاب

اگر چه حجاب بر زنان واجب است؛ اما قرآن به زنان سالمند اجازه داده است که با پرهیز از زینت، حجاب خود را بردارند (نور/۶۰). این حکم واجب نیست، بلکه مباح و جایز است، پس اگر مانند سایر زنان حجاب کامل داشته باشند برای آنان بهتر است: «وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَّهُنَّ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ» (نور/۶۰) (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۱۵/۲۳۳ - ۲۳۴).

۲.۶ سالمندی و روزه

روزه گرفتن بر سالمندانی که قادر به انجام آن نیستند یا روزه بر آنها سخت است واجب نیست و باید به جای روزه، فدیة بدهند (بقره/۱۸۴). به نظر فقها و مفسران مراد از «الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ» پیران و افرادی هستند که با شدت و سختی بسیار روزه می‌گیرند (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۲ / ۱۱ - ۱۲).

۳.۶ سالمندی و جهاد

و جوب شرکت در جهاد از افراد ضعیف و ناتوان برداشته شده است (توبه/۸۸ و ۹۱). مفسران مراد از «ضعفاء» را در آیه مذکور کسانی دانسته‌اند که نیرو و توانایی جهاد ندارند (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۹ / ۵۶۷ - ۵۶۸). به نظر می‌رسد در هر کجا اشاره‌ای به «ناتوان‌های جسمی یا روحی» می‌شود، سالمندان نیز مدد نظر هستند؛ زیرا معمولاً جز اقشار آسیب‌پذیر هستند.

۴.۶ سالمندی و هجرت

از برخی آیات مانند آیه ۹۷ سوره نساء استفاده می‌شود که در صورتی که مؤمنان نتوانند ایمان خود را در محیط زندگی‌شان حفظ کنند یا نتوانند شعائر اسلامی را آزادانه انجام دهند هجرت از محیط کفر واجب است. اما این تکلیف از دوش مردان و زنان و کودکان خردسالی که قادر به هجرت نیستند، برداشته شده است (نساء/۹۸-۹۹)؛ بر طبق روایات یکی از مصادیق مستضعفان در آیه که هجرت از عهده آنان برداشته شده، پیران هستند (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۵ / ۹۴).

بنابراین، در این آیات به برخی از موارد رشد جسمانی، شناختی و هیجانی و اجتماعی اشاره شد که باتوجه به آنها مسئولیت‌هایی اعم از عبادی و غیرعبادی که لازمه‌اش قدرت جسمانی و عقل است (شرایط عامه تکلیف شرعی)، برداشته شده است مثل روزه، جهاد، هجرت و

۷. وظایف دیگران نسبت به سالمندان

در سن سالمندی برخی از مسئولیت‌ها کاسته می‌شود و میزان تعاملات اجتماعی کاهش می‌یابد و گاهی استطاعت مالی و وضعیت سلامتی و... تقلیل می‌یابد؛ برای اینکه سالمندان درگیر اختلال روانی نشوند و جایگاه اجتماعی آنها آسیب نبینند، باید از شبکه گسترده‌تر حمایت خانوادگی و اجتماعی برخوردار شوند، لذا در اسلام به استناد آیات وظایفی را برای خانواده و جامعه در ارتباط با سالمندان، تعریف می‌نماید. به برخی از آنها اشاره می‌شود:

۱.۷ احترام به سالمندان و رعایت حال آنان

در آیات قرآن احترام به سالمندان با صراحت بیان نشده است، لکن از آیاتی که در باره نیکی و احسان نسبت به پدران و مادران است، می‌توان احترام گذاشتن فرزندان به والدین را مخصوصاً در دوران پیری برداشت کرد. این آیات فرزندان را از کوچک‌ترین بی‌احترامی به والدین در این سن منع می‌کند (اسرا/۲۳). زیرا این سنین سخت‌ترین دوران زندگی آنهاست (طباطبایی، ۱۳۷۶: ج ۱۳ / ۱۳۶) و آنان به دلیل کهولت سن و ناتوانی بیشتر به محبت و کمک فرزندان نیاز دارند همان‌طور که فرزندان در کودکی نیاز به پدر و مادر داشتند؛ نیاز بین فرزند و والدین یک نیاز متقابل است.

از این دسته از آیات می‌توان نتیجه گرفت که احترام به سالمندان فقط مختص پدر و مادر نیست، بلکه بر مؤمنان واجب است که به همه سالمندان احترام بگذارند (صادقی ارزگانی، ۱۴۰۱: ۵۹). چنانچه امام صادق (ع) در روایتی فرمود: «لَيْسَ مِنْكُمْ لَمْ يَوْقُرْ كِبِيرًا وَيَرْحَمُ صَغِيرًا» از ما نیست کسی که به پیران احترام نگذارد و به خردسالان رحم نکند (حر عاملی، ۱۴۱۴: ج ۵ / ۱۵۶) و نیز حضرت رسول (ص) می‌فرمایند: «الشَّيْخُ فِي أَهْلِ النَّبِيِّ فِي أُمَّتِهِ» وضع پیرمرد ریش سفید و سالمند کهنسالی که در خانواده و قبیله خود زندگی می‌کند، مانند موقعیت پیامبری است که میان امت خود به سر می‌برد و باید در حق او اطاعت و احترام لازم به کار رود. در واقع صرف سالمند و بزرگسال بودن، فرد را شایسته احترام می‌کند (عباس‌پور و دیگران، ۱۳۹۸: ۱۲۵).

باتوجه به دو آیه ۲۳ و ۲۴ سوره اسرا نمونه رفتار محترمانه، سخن نیکو، فروتنی و دعای خیر است.

۲.۷ حرمت کشتن سالمندان در جنگ

قرآن پس از دستور جهاد به مسلمانان، فرمان می‌دهد که از حدود الهی تجاوز نکنند (بقره/۱۹۰). مفسران مراد از «اعتداء» را در این آیه، کشتن زنان و کودکان و پیرانی دانسته‌اند که در جنگ با مسلمانان شرکت نکرده و علیه آنان اسلحه به دست نگرفته‌اند. این نکته یکی از اصول مهم اسلامی در رعایت حقوق بشر حتی در عرصه پیکار است.

۸. تأثیر مولفه‌های سالمندی در قرآن بر فرهنگ‌سازی اسلامی

در جامعه دینی، فرهنگ خاصی حاکم است که تحت تأثیر تصورها، باورها و بینش‌های دینی و ارزش‌ها و گرایش‌های دینی است که خود منشأ کنش‌ها، رفتارها، آداب و رسوم دینی انسان‌ها در جامعه است (کاشفی، ۱۳۹۴: ۳۶؛ کافی، ۱۳۹۲: ۱۷)؛ بنابر اینکه دین محور فرهنگ‌سازی است (پیروزمند، ۱۳۹۲: ۶۶۰) به عنوان مثال در این فرهنگ ارتباط شایسته با دیگران یک ارزش خداپسندانه و وظیفه الهی است؛ لذا نظام بینشی و ارزشی، در فرهنگ جامعه دینی کمیت و کیفیت این ارتباط را در نظام رفتاری مشخص می‌کند؛ در واقع رفتار انسان نمودی از آن دو نظام است.

بنابراین، توجه به معرفت دینی حول محور اصول دین (توحید، نبوت، معاد) و ارزش‌های الهی - انسانی، یکی از ضروریات نظام برنامه‌ریزی فرهنگی، در حوزه فرهنگ دینی است که زمینه‌ساز گرایش‌ها، ارزش‌ها و هنجارهایی است که به اشکال مختلف در رفتار اختیاری (فردی) و اجتماعی افراد متجلی می‌شود البته بیان دو نکته ضرورت دارد: نکته اول، فرهنگی که تمام اجزایش از دین گرفته شده باشد و شرایط زیست‌محیطی و عقل انسان در شکل‌گیری آن هیچ نقشی نداشته باشد تا به امروز شناخته نشده است؛ نکته دوم اینکه این‌طور نیست که در منابع دینی همه ارزش‌ها و هنجارهای مرتبط با آنها بیان شده باشد. گاهی در منابع دینی فقط یک ارزش بیان شده است، بدون اینکه به هنجارهای مرتبط با آن اشاره شده باشد؛ لذا باگذشت زمان و در طول تاریخ مؤمنان و متدینان به آن دین هنجارها و رفتارهایی را مرتبط با آن ارزش‌ها برای تحقق آن ساخته و پرداخته کرده‌اند. (کافی، ۱۳۹۲: ۱۸).

در آیات وقتی به وضوح تصریح می‌شود که با افزایش عمر دگرگونی در جسم محقق می‌شود و ضعف جسمانی و ناتوانی (روم/۵۹)، فرتوتی و افتادگی (مریم/۸) و سستی استخوان (مریم/۴) از مولفه‌های بارز سالمندی است و تجربه بشری نیز بر این امر تأکید دارد و نیز موضوع احترام به سالمندان و رعایت حال آنها از آیه ۲۳ سوره اسرا قابل برداشت است، اطرافیان و دیگران با توجه به این که کسانی که امروز ناتوان هستند گنجینه دانایی و تجربه هستند و از اندیشه‌ای پخته برخوردارند، لذا گرایش و تمایل به یاری و رعایت حال آنان دارند، زیرا زندگی و جامعه امروز ما نتیجه مشارکت و تلاش دیروز آنها است، و چنین تمایلاتی ایجاد آمادگی برای رفتار متناسب با آنان است، لذا فرهنگ کمک و خدمت‌رسانی به سالخوردگان به خوبی در فرهنگ اسلامی قابل مشاهده است.

ارتقای بعد معرفتی و اعتقادات دینی در جامعه حول مولفه‌های سالمندی و نیز ارتقای بعد گرایش‌های دینی در زمینه مطالعه و آشنایی با آیات قرآن و منابع اسلامی که در این راستا مکتوب شده است موجب ارتقای کنش‌ها و رفتارهای دینی مناسب در تعاملات اجتماعی با سالمندان می‌گردد همانند تکریم و احترام گذاشتن به آنان، حفظ عزت‌نفس افراد ناتوان و دارای ضعف جسمانی، احسان و رفتار نیکو با آنان، رفع نیازهای و کمبودهای مادی و معنوی آنان، مراقبت از آنان، آنان را مایه خیر و برکت دانستن «البرکه مع اکابرکم»، خیرخواهی و دعای خیر کردن برای آنان، صله ارحام و ملاقات با آنان خصوصاً در اعیاد و روزهای تعطیل و عیادت از آنان هنگام بیماری، دعوت کردن از آنان در مهمانی‌ها و مجالس و مقدم کردن بر دیگران در تعارفات معمولی نظیر دست‌دادن و حق‌تقدم برای عبور و مکان نشستن، گرایش به فروتنی و تواضع نسبت به آنان خصوصاً نسبت به والدین که در سن کهولت هستند، رعایت حقوق آنها را جزو اعمال صالح و عبادت دانستن، بسط بستر امن و آرامش برای آنان، مشورت کردن با آنان و نظرخواهی و مشارکت‌دهی در عرصه‌های عمومی، اجتماعی و سیاسی، از تجربیات آنها بهره‌بردن با حفظ کرامت آنان، مشارکت در کمک‌های مردمی برای رفع نیازهای مادی و معنوی آنان، همکاری در ساختن و آماده‌سازی اماکن نگه‌داری از آنان، فراهم کردن امکانات برای داشتن اوقات فراغت بانشاط و مسرت‌بخش، مهیا کردن زمینه کاری متناسب با افت توانایی جسمی و روحی برای دوران بازنشستگی که در اغلب موارد موجب کاهش اعتبار و کاهش درآمد می‌شود (فعالیت بدنی مانع ضعف و ناتوانی جسمی و از طرف دیگر از نظر روانی مانع احساس بیهودگی است، چه بسا موجب حس ارزشمندی در آنان شود که عامل مهمی برای تقویت احساس اعتماد به نفس است). از سوی دیگر امکان ارتقای سواد و دسترسی به منابع اطلاعاتی و داده‌های مختلف برای آنان فراهم شود؛ زیرا توانمندسازی آنان از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و سالمندان همچنان باید تلاش برای ارتقای سطح سواد داشته باشند «اطلب العلم من المهد الی اللحد». پس، دست سالمندان را بگیریم و از آنها درس بگیریم. جوانان سالم امروز، سالمندان بانشاط فردا خواهند بود. در واقع با تأکید بر فرهنگ دینی در جامعه چیزی به نام جنگ نسل‌ها (ستیز نسل جوان یک اجتماع با نسل کهنسال آن) و هم‌زیستی بدون تفاهم کاهش می‌یابد و به سالمندان به‌عنوان گروه غیرمولد و مزاحم و سربار نگاه نمی‌شود؛ بلکه در فرهنگ اسلامی پیرشدن یک امتیاز است؛ لذا یکی از دعا‌های خیر و نیکو برای دیگران «انشا الله پیرشدن است».

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی (نوشین چترچی) ۸۱

و در پایان شاید بتوان اشاره به همسو بودن فرهنگ ایرانی و فرهنگ اسلامی کرد: در دوره سلجوقیان، متأثر از فرهنگ اسلامی که همواره سالخوردهگان مورد احترام بودند، طبقه‌ای به نام اتابکان (پدربزرگ) تشکیل شد که مردان باتجربه و کارآموزده بودند که وظیفه تعلیم و تربیت شاهزادگان سلجوقی را بر عهده داشتند تا آن شاهزاده وقتی بر تخت سلطنت می‌نشیند از عهده اداره مملکت بر آید (زریاب خویی، ۱۳۷۷: ج ۲۲۷/۴).

ضرب‌المثل‌ها در فرهنگ ایرانی یکی از ظرفیت‌ها برای انتقال ارزش‌ها و قوانین نانوشته فرهنگی هستند که در ادبیات فرهنگ عامه بکار می‌رود که گاه با این مولفه‌های سالمندی در قرآن پیوند دارند که در قالب جملات کوتاه از نسلی به نسل دیگر انتقال می‌یابد همانند از جوانی تا پیری، از پیری تا بمیری، پیری به هزار عیب آراسته است (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۵۹۴/۴) حق شرم دارد ز موی سفید، مصیبت بود پیری و نیستی (رامتین، ۱۳۸۷: ۸۳)، روز پیری پادشاهی هم ندارد لذتی، پیری و صد عیب، چنین گفته‌اند، و... این موارد ناظر بر مشکلات دوران پیری و تقلیل یافتن نیروی جسمانی است، و برخی از ضرب‌المثل‌ها حول محور احترام و تکریم سالمندان و استفاده از تجربه آنها است: بی‌پیر مرو تو در خرابات هر چند سکندر زمانی، پیران پیرایه ملکند، پیری نداری پیری بخر (دهخدا، ۱۳۷۷: ج ۴/۵۹۰۱-۵۹۰۲) حق مهتران سخت و واجب‌تر است، شرط باشد آنکه دارد پیر را عزت جوان، آنچه در آئینه جوان ببند، پیر درخشت خام آن ببند، رأی پیر از بخت جوان به، دود از کنده بلند میشه، ما این موها را در آسیاب سفید نکردیم (رامتین، ۱۳۸۷: ۳۵ و ۷۱).

۹. نتیجه‌گیری

حرکت جمعیت ایران به سمت پیری است و ممکن است ایران در آینده در «بحران سالمندی» قرار گیرد؛ لذا واکاوی رشد سالمندی فردی از نگاه درون دینی به‌ویژه آیات قرآن کریم، در کنار علوم دیگر، می‌تواند نگاه ما را به مسئله سالمندی عمیق‌تر گرداند. همان‌گونه که در نتایج وارسی آیات قرآن اشاره شد، سالمندی به‌عنوان یکی از مراحل زندگی انسان مطرح شده است که ناظر به نظام تکوین و خلقت است. بدین خاطر، نگاهی به آنها نشان می‌دهد که با توجه به ظرفیت‌ها، قابلیت‌ها و توانایی‌های این مرحله از زندگی انسان، نظام تشریح و قانون‌گذاری شکل گرفته و مسئولیت‌ها، وظایف و تکالیفی را برای شخص سالمند از یک سو، خانواده و جامعه از سوی دیگر سامان گرفته است. به نظر می‌رسد که طرح مراحل رشد جسمی، شناختی، هیجانی و اجتماعی سالمندی در قرآن صرفاً توصیف مراحل رشد نیست، بلکه در جهت ایجاد

یک منظومه فکری است که در آن از نظام اعتقادی و انسان‌شناختی (خدای‌محوری، معاد محوری، علم و قدرت الهی، مخلوقیت انسان، دوبعدی بودن و برخورداری از بعد روحانی، تعقل‌ورزی و هدف‌مندی وی و داشتن اجل مسمی، و...) سخن گفته شده است. همچنین دربرگیرنده، نظام حقوقی است که دارای مجموعه گزاره‌هایی است که یا تکلیفی را بر عهده سالمند می‌گذارد (عدم لزوم حجاب زنان سالمند، واجب نبودن روزه، عدم وجوب جهاد و هجرت از محیط کفر) و یا تکلیفی را بر عهده دیگران، در مورد، سالمند قرار می‌دهد (احترام به سالمندان، حرمت کشتن سالمندان در جنگ و...) . این گزاره‌ها از سنخ «باید» و «نباید» است. این منظومه فکری هدف و غایت خاصی را دنبال می‌کند که برون‌داد آن سعادت و پویایی انسان‌ها در حیات دنیوی و اخروی و رسیدن به کمال است؛ بنابراین ضرورتاً نباید انتظار داشته باشیم که همه موارد، و یا هرآنچه در مورد سالمندی وجود دارد، یا خواهد داشت، در قرآن هم آمده باشد. از سوی دیگر، در نتیجه ارتقای بعد معرفتی و اعتقادات دینی در جامعه حول مولفه‌های سالمندی و نیز ارتقای بعد گرایش‌های دینی در زمینه مطالعه و آشنایی با آیات قرآن و منابع اسلامی که در این راستا مکتوب شده است موجب ارتقای کنش‌ها و رفتارهای دینی مناسب در تعاملات اجتماعی با سالمندان می‌گردد همانند احترام و تکریم سالمندان و بهره‌مندی از تدبیر و تجربه ارزشمند آنها، بدین ترتیب زمینه تأیید، ترمیم یا گسترش رفتارهای فرهنگی مبتنی بر بنیان‌های دینی و گسترش فرهنگ اسلامی را در رفتارهای عملی و باورهای ذهنی فراهم می‌کند.

کتاب نامه

قرآن کریم

- ابوالفتوح رازی، جمال‌الدین (۱۳۵۲). تفسیر روح‌الجنان و روح‌الجنان. ج ۷. به تصحیح و حواشی: مهدی الهی‌قمشه‌ای. تهران: محمدحسن علمی. ج ۲.
- ابوالفتوح رازی، جمال‌الدین (۱۳۵۲). تفسیر روح‌الجنان و روح‌الجنان. ج ۹. به تصحیح و حواشی: ابوالحسن شعرانی و علی‌اکبر غفاری. تهران: اسلامیه.
- امام علی بن ابی‌طالب، نهج‌البلاغه (۱۳۷۹) (محمد دشتی، مترجم). قم: انتشارات پارسایان.
- بتولی، امیرحسین، سی‌سختی، مینو (۱۳۹۵). سالمندی سالم. تهران: ارجمند. ج ۱.
- برک، لورا (۱۳۹۳). روان‌شناسی رشد (از نوجوانی تا پایان زندگی). ج ۲. مترجم: یحیی سید محمدی. تهران: نشر ارسباران. ج ۲۶.

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی (نوشین چترچی) ۸۳

بهرامی، فاضل، رضانی فرانی، عباس (۱۳۸۸). «بهداشت روان سالمند در قرآن و حدیث» مجله سالمندی ایران ۱۳۸۸، دوره ۴، شماره ۱، ۷۰-۸۳.

پیروزمند، علیرضا (۱۳۹۲). پژوهشی بنیادین در مناسبات دین و فرهنگ. قم: نشر معارف.

ترکانی، سارا (۱۳۹۴). سالمندان: خودکارآمدی و پرستاری. تهران: جامع‌نگر. چ ۱.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۰). تسنیم، ج ۱۴. تحقیق و تنظیم: عبدالکریم عابدینی. قم: اسراء. چ ۳.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۷). تسنیم، ج ۴۶. تحقیق و تنظیم: حسین اشرفی. قم: اسراء. چ ۱.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹). تسنیم، ج ۵۷. تحقیق و تنظیم: سعید بندعلی و احسان ابراهیمی. قم: اسراء. چ ۱.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹). تسنیم، ج ۵۳. تحقیق و تنظیم: احسان ابراهیمی و محمدجواد دشتی و عطاءالله میرزاده. قم: اسراء. چ ۱.

جوادی آملی، عبدالله (۱۴۰۰). تسنیم، ج ۶۴. تحقیق و تنظیم: روح‌الله رزقی شهرودی و مصطفی خلیلی. قم: اسراء. چ ۱.

حبیب‌نژاد، احمد (۱۳۹۶). نظام حقوق سالمندان. تهران: انتشارات خرسندی. چ ۱.

حر عاملی، محمد بن حسن (۱۴۱۴). هدایه الأئمه الی احکام الائمه (ع) (ج ۵). مشهد: مجمع البحوث الإسلامیه.

حسینی، رقیه السادات، ابراهیمی، محمد اسماعیل، خلخالی، وحید، زمانی، نرگس (۱۳۹۸). «رابطه ترس از مرگ با باورهای مذهبی و اختلالات روانی سالمندان ساکن در سرای سالمندان شهرستان کرج (۱۳۹۳)». سالمند، مجله سالمندی ایران. دوره ۱۴، شماره ۲، ۱۴۴-۱۶۱.

خزاعی نیشابوری، حسین (۱۳۶۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۳. به تصحیح: محمدجعفر یاحقی، محمدمهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی.

خزاعی نیشابوری، حسین (۱۳۷۸). روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن، ج ۱۶. به تصحیح: محمدجعفر یاحقی، محمدمهدی ناصح. مشهد: بنیاد پژوهش‌های اسلامی. چ ۲.

خوانساری، جمال‌الدین محمد (۱۳۶۶). شرح آقا جمال‌الدین خوانساری بر غررالحکم و درر الکلم. تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

دوبوار، سیمون (۱۳۶۵). کهنسالی. مترجم: محمدعلی طوسی. تهران: شباویز. چ ۱.

دهخدا، علی‌اکبر (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. زیر نظر محمد معین، سید جعفر شهیدی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران - مؤسسه لغت‌نامه دهخدا.

رامتین، ایرج (۱۳۸۷). ضرب‌المثل‌های رایج ایرانی. تهران: نشر سنبله.

زریاب‌خویی، عباس (۱۳۷۷). دایره المعارف بزرگ اسلامی. تهران: مرکز دایره المعارف بزرگ اسلامی.

۸۴ مطالعات قرآنی و فرهنگ اسلامی، سال ۷، شماره ۴، زمستان ۱۴۰۲

- زمخشری، محمود بن عمر (؟). *الكشاف عن حقایق غوامض التنزیل و عیون الاقویل فی وجوه التاویل*. الجزء الرابع. بیروت: دارالكتاب العربی.
- سند ملی سالمندان کشور مصوب ۱۳۹۹. *شورای ملی سالمندان*.
- شجاعی، محمدصادق (۱۳۹۷). *روان‌شناسی در قرآن و حدیث* (جلد ۱). قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- صادقی ارزگانی، محمدامین (۱۴۰۱). «کرامت سالمندان از منظر آیات و روایات». *فصلنامه ره‌توشه*. شماره ۹، ۶۶-۵۷.
- صادقی، رضوان‌الله، خواجه‌وند، فریبا، بابایی، محمدرضا (۱۳۹۵). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. تهران: انتشارات ساکو. چ ۱.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۶). *تفسیر المیزان* (محمدباقر موسوی همدانی، مترجم). تهران: بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی.
- طبرسی، ابوعلی فضل (۱۳۸۰). *ترجمه تفسیر مجمع‌البیان*. تحقیق و نگارش: علی کرمی. تهران: فراهانی. چ ۱.
- عباس‌پور، زهرا، طباطبایی امین، طاهره سادات (۱۳۹۸). «آداب تعامل مثبت جامعه با سالمندان بر اساس آموزه‌های قرآن و روایات». *پژوهش‌های نوین در آموزه‌های قرآن و سنت*، شماره ۴، ۱۱۷-۱۴۴.
- فخرزاده، حسین، سلطانی مهاجر، حوریه (۱۳۹۶). «جایگاه سالمندان و مراقبت از سلامت آنها در اسلام». *فصلنامه علمی پژوهشی طب و ترکیه*. دوره ۲۶، شماره ۲، ۹۷-۱۰۴.
- فوندا، جین (۱۳۹۱). *بهترین زمان*. مترجم: سیمین موحد. تهران: کتاب‌سرای تندیس. چ ۱.
- کاشفی، محمدرضا (۱۳۹۴). *تاریخ فرهنگ و تمدن اسلامی*. قم: مرکز بین‌المللی ترجمه و نشر المصطفی. چ ۵.
- کافی، مجید (۱۳۹۲). *فرهنگ دینی: مفاهیم، نظریه‌ها و راهکارها*. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه. چ ۱.
- کرمی قهی، محمدتقی، بابایی، حبیب‌الله (۱۳۸۶). *جستاری نظری در باب تمدن*. قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی. چ ۱.
- لازاروس، ریچارد اس (۱۳۹۳). *دوران سالمندی و کنار آمدن با آن*. مترجم: شعله آتشین. تهران: اوحدی. چ ۱.
- مجیدی، عبدالحمید (۱۳۷۸). *طب سالمندان و مسائل سالمندی*. تهران: انتشارات خوشه. چ ۲.
- مطهری، مرتضی (۱۳۹۰). *کلیات علوم اسلامی*. ج ۱. تهران: انتشارات صدرا. چ ۴۶.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۵). *یادداشت‌ها*. ج ۶. تهران: انتشارات صدرا. چ ۳.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹). *آشنایی با قرآن*. ج ۱۴. تهران: انتشارات صدرا. چ ۱.
- مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۸۲). *تفسیر نمونه*. ج ۱۸. تهران: دارالکتب الاسلامیه. چ ۲۱.
- ولایتی، علی‌اکبر (۱۳۸۶). *فرهنگ و تمدن اسلامی*. قم: دفتر نشر معارف. چ ۵.

بررسی مولفه‌های سالمندی در قرآن کریم و آثار آن بر فرهنگ اسلامی (نوشین چترچی) ۸۵

یکتایی، مجید(؟). تاریخ‌تعمیر و فرهنگ. تهران: انتشارات گوتنبرگ.

